

باید بسیار در این حوزه هوشیار باشند و از ارائه اطلاعات حساب بانکی خود به دیگران خودداری کنند.

وی خاطر نشان کرد: هرگونه تبلیغ یا فعالیت در سایت‌های قمار و شرط‌بندی برابر با قانون جرم بوده و ضمن تبعات ناشی از آنها نظیر از دست رفتن سرمایه زندگی، اعتیاد به قمار و... با افراد فعال در این حوزه برخورد قانونی لازم از سوی مراجع قضایی صورت خواهد گرفت.

امیرلی به مردم و به خصوص جوانان توصیه کرد: با توجه به این‌که حجم وسیعی از این تبلیغات و فرآیند شرط‌بندی و قمار آنلاین که توسط مجرمان راه‌اندازی شده، کاملاً دروغین بوده و در راستای کلاهبرداری از فریب‌خوردگان است، به هیچ عنوان فریب این تبلیغات دروغین را نخورند.

و ایجاد سایت‌های شرط‌بندی و قمار زیر نظر دارد و در صورت مواجهه با هرگونه فعالیت مجرمانه، اقدام قضایی و عملیاتی علیه مجرمان سایبری قطعی خواهد بود.

امیرلی ادامه داد: متهمان از طریق افراد واسطه اقدام به اجاره حساب بانکی تحت عناوینی نظیر فرار از مالیات، محدودیت‌های سقف تراکنش، فعالیت در حوزه بورس، ارزهای دیجیتال و... کرده و به دنبال آن اطلاعات حساب‌های اجاره‌شده را در راستای پولشویی‌های مرتبط با سایت‌های قمار استفاده می‌کنند.

جانشین پلیس فتای فراجا در توصیه به شهروندان گفت: سودجویان با قانونی جلوه دادن فعالیت‌های مجرمانه خود، اقدام به فریب افراد و اجاره حساب‌های بانکی شهروندان می‌کنند. بنابراین با توجه به این‌که تبعات قانونی ناشی از سوءاستفاده از حساب‌های بانکی با فرد صاحب حساب بوده، عموم مردم

سناریوی هولناک برای قتل پدرخوانده

پسر جوان با وسوسه‌های همسر پدرخوانده‌اش، سناریوی هولناکی را اجرا کرد. او بعد از قتل پیرمرد جسد او را در باغ دفن کرد. یکی از کارآگاهان بازنشسته پلیس آگاهی، این پرونده را برای تپش روایت کرده است.

در شماره قبل خواندید: مرد میلیاردری ناپدید شد و کارآگاهان در جریان تحقیقات به

فرزندخوانده و همسر دوم این مرد مشکوک شدند. زن جوان در بازجویی مدعی شد قاتل،

فرزندخوانده مرد پولدار بود که با کشتن پدرخوانده خود قصد ازدواج با این زن را داشته

است! با شناسایی محل مخفی شدن فرزندخوانده مقتول، کارآگاهان باراهنمایی

زن جوان توانستند مخفیگاه متهم را در ویلایی در شمال تهران شناسایی کنند.

در همان ویلا شروع به بازجویی رامین کردیم. به او گفتم، جای کتمان و پنهان‌کاری وجود ندارد و خواستم که محل مخفی کردن جنازه را به ما نشان دهد.

رامین گفت: «من پدرخوانده‌ام را نکشته‌ام.»

گفتم: «باشه؛ تو بچه خوبی هستی حرفت قبول است؛ فقط جایی که جنازه را پنهان کرده‌ای بگو.»

رامین در توهّم بود. گفت: «اگر بگم کاریم ندارید؟»

گفتم: «نه؛ خیالت راحت، آزادت می‌کنیم بری.»

گفت: «بریم بهتون نشون بدم.»

[۱] کجا بریم؟

- بروسمت ورامین داخل باغ خودمون. ولی من پدرخوانده‌ام رو نکشتم. من عاشق او بودم.

با هماهنگی دادستان محل دستگیری رامین، اجازه انتقال وی به تهران داده شد.

باراهنمایی رامین به سمت باغ پدری رفتیم.

باغی حدود ۳۰۰۰ متری که نگهبان اشتراکی با سایر باغ‌های مجاور داشت. در

گوشه‌ای از انتهای باغ مشخص بود مقداری خاک تازه جابه‌جا شده. بوی فساد

نعشی، نشان می‌داد آدرس را درست آمده‌ایم.

مشغول حفاری شدیم. جنازه پس از حدود ۷۰ سانت حفاری مشخص شد. در

ملحفه و پلاستیکی جدا گذاشته شده بود. سر مرحوم از تنش جدا شده بود و

کنار پهلویش قرار گرفته بود.

رامین گریه می‌کرد: «بابا... بابا... بابا... غلط کردم.»

پس از انجام تشریفات قانونی جنازه با دستور بازپرس به سردخانه منتقل شد. با انتقال متهمان

به اداره آگاهی، رامین به علت توهّمات ناشی از مصرف شیشه، چرت و پرت می‌گفت.

گفت: «چند داعشی سر پدرم را بریدند و فیلم گرفتند. من با آنها درگیر شدم ولی

آنها فرار کردند؛ منم ناچار جنازه پدرم را بردم خاک کردم.»

رامین ارتباطش با واقعیت قطع شده بود و قادر به بازجویی نبود. با انتقال

به بهداری و تجویز چند داروی آرامبخش دوباره به اداره آگاهی منتقل

شد. یک هفته بعد که رامین تا حدودی هوشیاری‌اش را به دست آورد،

مورد بازجویی قرار گرفت.

رامین در بازجویی‌ها گفت: «زن پدرم جوان بود و موقعی که پدرم

نبود با من درد دل می‌کرد و می‌گفت: پدرت پیر و ناتوان است و

من دوستش ندارم و شروع کرد به من ابراز محبت کردن. با هم

مشروب می‌خوردیم و داستان

از آنجا شروع شد. من گول

حرف‌های زن پدرم را خوردم.»

[۲] در مورد قتل بگو؟

- زن پدرم پیشنهاد قتل پدرم را داد

و گفت تنها راهی که من و تو می‌توانیم به

هم برسیم، همین است. من هم قبول کردم، اما

نمی‌دانستم چطور ناپدری‌ام را بکشم. چند بار تصمیم

گرفتم او را خفه کنم اما نتوانستم. ایام عید بود؛ من و زن پدرم

تصمیم قطعی گرفتیم این کار را بکنیم. من ابتدا به باغ

ناپدری‌ام در ورامین رفتم و قبر او را کندم. بعد به خانه آمدم

و به پدرم گفتم: «پدرامشب مهمان من هستید.» پدرم قبول کرد.

بعد از اینکه وارد آپارتمان شد، دهانش را از پشت گرفتم و با چاقو

گلویش را بریدم.»

[۳] زن پدرت در زمان قتل آنجا حضور داشت؟

- بله حضور داشت.

بین رامین و زن پدرش مواجهه حضوری به عمل آمد. مشخص

شد که همسر مقتول در زمان قتل شاهد جنایت بوده و قصد انکار

ماجرای را داشته است.

رامین در ادامه توضیح داد که به کمک زن پدرش جنازه را داخل

ماشین برده‌اند و خودش به تنهایی جنازه را در باغ

ورامین به خاک سپرده است.

با اعترافات تکان‌دهنده رامین و همسر مقتول،

بازسازی صحنه قتل در محل وقوع قتل با

حضور بازپرس جنایی انجام شد و پرونده

بسته شد.

رامین به جرم قتل عمد و زن پدرش

به جرم معاونت در قتل عمد روانه

زندان شدند.